



## پرسش و پاسخ های لوموند در باره ی گزارش اخیر «اطلاعات ملی آمریکا»

مقدمه و برگردان:

محمد علی اصفهانی

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

انتشار گزارش غیر منتظره ی ۱۶ سازمان اطلاعاتی اصلی آمریکا، از جمله سیا، در مورد برنامه ی هسته یی ایران، پرسش های بسیاری را مطرح کرده است. پرسش هایی که طبعاً پاسخ هاشان به زاویه ی دید، و به دیدگاه پاسخ دهندگان بستگی دارد. در این میان، **Sylvain Cypel**، سیلَوَن سیپل، نویسنده و کارشناس فرانسوی مسائل خاورمیانه، و از سردبیران روزنامه ی لوموند که در حال حاضر در نیویورک به سر می برد، در شماره ی ششم دسامبر این روزنامه، به صورتی جمع و جور و بیشتر دارای جنبه ی خبری و نه تحلیلی، تعدادی از این پرسش ها را همراه با پاسخ هایی به آن ها در کنار هم گذاشته است. فکر کردم که فارسی شده ی مقاله ی او که با زبانی ساده و روان نوشته شده است، بتواند برای همه ی ما مفید باشد. مخصوصاً به دلیل خبری بودن و نه تحلیلی بودنش. یعنی دعوت به تأمل و کمک به شناخت مستقل تر چند و چون ماجرا.

اما حتماً باید پیش از آن، به اختصار تمام، چند نکته را که پرداختن

به هر کدام آن‌ها مطلبی جداگانه می‌طلبید، به خود یادآوری کنیم:

\* آنچه در این روزها می‌گذرد، محصول کشمکش‌های است در آمریکا میان جنگ طلبان مطلقاً عقل‌باخته‌ی که به طور خاص به وسیله‌ی دیک چینی و خود جرج بوش و لابی‌های اسرائیل نمایندگی می‌شوند، با بخش‌های دیگری از حاکمیت آمریکا چه در میان «دموکرات‌ها» و چه در میان «جمهوری خواهان» (جمهوری خواهان محافظه‌کار و یا نو محافظه‌کار).  
تیتز مقاله‌ی پنجم دسامبر **Robert Kagan** که یکی از چهره‌های سرشناس نو محافظه‌کار است در «واشنگتن پست» خود بسیار گویاست:  
«زمان گفتگو با ایران فرا رسیده است»!

\* نهایت ساده‌نگری خواهد بود اگر خطر تجاوز نظامی به ایران را تمام شده تلقی کنیم. و در نتیجه: نهایت بی‌خردی خواهد بود اگر اندک خللی در اراده‌ی ما به هماهنگی و متشکل شدن و با هوشیاری کامل و بدون پلک برهم زدن، به مقابله با خطر جنگ برخاستن به وجود آید؛ و زمانی دوباره به خود آییم که بمب‌های آمریکایی و اسرائیلی ایران را ویران کرده‌اند.  
نه اسرائیل که هدفش انهدام تأسیسات اتمی ایران حتی به قیمت انهدام ایران است، دست روی دست گذاشته است؛ و نه چینی و بوش؛ و نه مستخدمین بومی اینان که تمام بود و نبود خود را با بمباران ایران، و بعد از ویران شدن آن، ورود به مرحله‌ی جنگ زمینی، تحت فرماندهی آمریکا گره زده‌اند.  
هنوز راه‌های زیادی پیش روی دشمنان خارجی ایران و به خدمت گرفته شدگان‌شان قرار دارد:

- «کشف» یک مرکز مخفی اتمی جدید مثلاً.

- یا «اثبات» این که هر چه در عراق و فلسطین و لبنان می گذرد، نه به خاطر تجاوز آمریکا و اسراییل و قتل عام مردم بی پناه این سرزمین هاست؛ بلکه به خاطر سلاح ها و بمب های میلیونی ساخت ایران است... و برای ایجاد امنیت سربازان آمریکایی در عراق، و برای استقرار امنیت اسراییل در لبنان و حوالی آن، و برای رفع شر «تروریست های بنیادگرای حماس» در اسراییل اشغالی باید مردم ایران را و راه ها و پل ها و بیمارستان ها و مهد کودک ها و جاده ها و صنایع و تأسیسات کلیدی و کوچه و خیابان ایران را بمباران کرد... حکومت ایران، به وسیله ی مزدورانش فلسطین را دو تکه کرده است؛ و محمود عباس صلح طلب و شریف هم که خواهان ذبح جنایتکاران حماس در پیش پای اهود اولمرت همچون خود او صلح طلب و شریف است و از همین رو اسراییل را تشویق می کند که یک میلیون و نیم فلسطینی را در نوار غزه از فقر و بی غذایی و بیکاری و بیماری، و با قطع آب و برق و مواد اولیه ی غذایی، و با بمباران و خمپاره باران، و قتل عام و قتل خاص، زجر کش کند، بر این امر گواهی می دهد.

- حمله ی «پیشگیرانه» ی اسراییل، مثلاً. و در پی دریافت یا عدم دریافت پاسخ از سوی ایران، ورود آمریکا به جنگ برای دفاع از دوست و متحد خود. آنگونه که قبلاً نیز در سناریو هایی، از جمله سناریو هایی با کارگردانی دیک چینی، پیش بینی شده بود.

- کشف طرح یک «یازده سپتامبر» دیگر که این بار در ایران برنامه ریزی و آماده سازی شده است.

و الخ...

\* در هر صورت، و به هر دلیل، و به هر شکل، و به هر انگیزه، و به

هر وسیله، اگر خطر حمله ی نظامی دشمن خارجی به ایران بر طرف شود، آن که زیان خواهد دید، فقط و فقط دشمن داخلی مردم ایران، یعنی حکومت جانیان اصولگرا و غیر اصولگرا و «مدره» و غیر مدره و «اصلاح طلب» و غیر اصلاح طلب و «پراگماتیست» و غیر پراگماتیست ایران است و بس. (و البته متحدان «ایرانی» دشمن خارجی نیز).

\* فقط، کسانی که به نیروی توده ها باور ندارند، و راه نجات را در بیرون توده ها و از بالای سر آن ها می جویند، هستند که در نگرفتن جنگ با ایران را معادل دادن وقت اضافی به ملایان می دانند؛ و نگرانند که مخالفان جنگ، می خواهند وقت اضافی برای «رژیم» بخرند و به بقای آن کمک کنند.

این ها چه خود بدانند (و بخشیشان خود می دانند و به همین دلیل در پی دشمن خارجی روان و دوانند) و چه خود ندانند (و بخشیشان چنینند) در واقع امر، از ملایان می ترسند و خود را در برابر این مفلوکان پا به گور، عاجز و ناتوان می بینند؛ و رجزخوانی های احتمالی شان هم چیزی است برای فرار از ترس خود. همانطور که کودکان در کوچه های خلوت شب می کنند. و تا اینجای قضیه، حق دارند. اما حق ندارند که ارزیابی خودشان از خودشان را به مردم نیز تعمیم دهند.

در معادلات اینان، مردم نقشی ندارند. مردمی که در همین چند سال اخیر، اگر در تنور بحران ساختگی اتمی از سوی دو رقیب پیاده و سواره دمیده نشده بود، دمار از روزگار آخوند در آورده بودند. و در خواهند آورد...

\* تضاد هارا اصلی و فرعی کردن، در ذات خود، حرف درستی است. اما در یک ارگان زنده ، مثلاً جامعه ی امروز جهانی (که

ایران هم یک جزء ارگانیک و زنده ی آن است) نمی توان یک خط کش در دست گرفت و با نگاهی هندسی (و یا حد اکثر: مکانیکی) بین تضاد ها خطوط صاف مستقیم یا شکسته کشید...

به هر حال:

نه مقدمه جای ذی المقدمه را گرفت؛ و نه ذی المقدمه جای مقدمه را. مقدمه و ذی المقدمه، گاهی یک کل واحدند!

محمد علی اصفهانی

شانزدهم آذر ۱۳۸۶

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

- ایران، خطرناک بود. ایران، خطرناک است. و ایران، خطرناک خواهد بود در صورتی که از دانش لازم برای تولید بمب اتمی برخوردار باشد.

یک روز بعد از اعلام عمومی گزارش «اطلاعات ملی» که ۱۶ سازمان اصلی جاسوسی آمریکا را در بر می گیرد، جرج بوش در روز سه شنبه چهارم دسامبر این سخنان را بر زبان راند.

در گزارش این ۱۶ سازمان جاسوسی، ارزیابی شده است که تهران «در پاییز سال ۲۰۰۳ میلادی، برنامه ی تولید سلاح اتمی خود را متوقف کرده است.»  
انتشار این گزارش، پرسش های چندی را در پیش روی ما می گذارد:

### **پرسش اول:**

نا چه اندازه می توان به این گزارش اعتماد کرد؟

## پاسخ به پرسش اول:

این گزارش «از ضریب اطمینان بالایی برخوردار است». تهیه کنندگان گزارش، اینچنین پاسخ می دهند. و در زبان دستگاه های اطلاعاتی، این، یک ترم قوی است. اگرچه اسراییلی ها این پاسخ را به چالش بطلبند.

اگر این گزارش، معتبر است، پس تکلیف گزارش دیگری که «اطلاعات ملی» در سال ۲۰۰۵ میلادی منتشر کرده بود و در آن ارزیابی کرده بود که ایران برنامه ی تولید سلاح اتمی را پیگیری می کند چه می شود؟ آیا «اطلاعات ملی آمریکا» اشتباه کرده بود؟ و یا اشتباه نکرده بود بلکه تحت فشار قرار گرفته بود که آنچه را مقامات عالیرتبه می خواستند، با وجود نادرست بودن آن، به عنوان نتیجه ی تحقیقات خود اعلام کند؟

## پرسش دوم:

چرا گزارش امسال، با این نتیجه گیری که می بینیم، به صورت عمومی منتشر شد؟

## پاسخ به پرسش دوم:

نزاعی سخت، دیک چینی [معاون جنگ افروز بوش] و رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا را رو در روی هم قرار داده است. (۱) Harry Reid ، هری رید، رییس فراکسیون حزب دموکرات در سنا [فراکسیون غالب] به عنوان یک وزنه ی سنگین، در انتشار عمومی این گزارش نقش عمده یی ایفا کرد:

او کاخ سفید را تهدید کرد که در صورتی که بخواهد مانع انتشار عمومی این گزارش شود، این گزارش به طریقی از طرق، منتشر خواهد شد؛ و آن وقت، جرج بوش باید بهای بی اندازه سنگینی بپردازد.

همچنین، بنا به گفته ی یک کارشناس، دستگاه اطلاعاتی آمریکا که در ماجرای صحنه سازی و شایعه پراکنی مربوط به وجود جنگ افزار های موهوم کشتار و تخریب جمعی نامتعارف در عراق عصر صدام، آبروی خودش را باخته بود، این بار برای اجتناب از آبروباختگی مجدد، بر انتشار گزارش اخیر مربوط به ایران پافشاری کرد.

### **پرسش سوم:**

آیا تهدید افزون کردن مجازات ها علیه ایران کمتر شده است؟

### **پاسخ به پرسش سوم:**

«اطلاعات ملی» توصیه می کند که باید این مجازات ها را سخت تر کرد. اما کاخ سفید در روز سه شنبه [۴ دسامبر، یک روز بعد از انتشار گزارش] هراس خود را از احتمال عدم پذیرش چنین توصیه یی و «تأثیر منفی» گزارش «اطلاعات ملی» بر جامعه ی جهانی ابراز داشت.

ناظران سیاسی نیز معتقدند که با این گزارش، ضرورت فوریت داشتن تشدید مجازات ها علیه ایران رنگ باخته است.

### **پرسش چهارم:**

آیا دیگر، گزینه ی نظامی علیه ایران مطرح نخواهد بود؟

### پاسخ به پرسش چهارم:

«این گزارش، هیچ چیزی را عوض نمی کند». جرج بوش، در همین سه شنبه، چنین گفت. و افزود:  
«یک دیپلماسی کارآ، دیپلماسی پی است که در آن، راه برای همه گزینه ها باز باشد».

**Barbara Bodine** ، باربارا بادین، دیپلمات، و هماهنگ کننده ی سابق دیپلماسی آمریکا در بغداد در سال ۲۰۰۲ میلادی، اما، اینچنین می گوید:

«از این پس، دستگاه بوش، دیگر بهانه پی برای حمله ی نظامی به ایران نخواهد داشت. او نمی تواند بدون موافقت کنگره - که پیشنهاد او برای حمله به ایران را رد خواهد کرد - به چنین کاری دست یازد.»

### پرسش پنجم:

آیا یک تغییر استراتژی در برخورد با ایران در کار است؟

### پاسخ به پرسش پنجم:

بسیاری از تحلیلگران آمریکایی، اینطور می اندیشند. آن ها تحلیل خود را چنین توضیح می دهند:

این گزارش، سمت و سویی به منطق عقل دارد؛ و در همان حالی که فشار بر ایران را پیشنهاد می کند، به ایران این امکان را می دهد که «به اهداف خود در زمینه ی احساس امنیت و نیز



حفظ پرستیز خود در منطقه دست یابد» بدون آن که به بمب اتمی متوسل شود.

دیگر از این پس، صحبت از به زانو درآوردن ایران نیست؛ بلکه صحبت از پیوندی است میان تنبیهات، و امکان گشایش روابط به صورتی که ایران از این که آمریکا می خواهد او را از پای در آورد نگرانی بی نداشته باشد.

از نظر «باربارا بادین» [که در بالا به او و سیمتس اشاره شد]:  
«به همان اندازه که اعمال فشار بر ایران می تواند ضروری باشد، ورود به گفتگو با تهران نیز ضروری است».  
علاوه بر او، سناتور جمهوریخواه، **Chuck Hagel**، چاک هاجل، نیز مقامات آمریکایی را به گفتگوی مستقیم با تهران، فرا می خواند.

### **پرسش ششم:**

جرج بوش، چه وقت از تحلیل اخیر «اطلاعات ملی» مطلع شده بود؟

### **پاسخ به پرسش ششم:**

این پرسش، برای اعتبار بوش پرسشی حیاتی است.  
او در سپتامبر امسال از تهدیدی به نام «هولوکاست اتمی» در رابطه با ایران حرف زد؛ و بعد از آن هم در ۱۷ اکتبر، سخن از «جنگ جهانی سوم» به میان آورد. آیا او در موقعی که این چیز هارا می گفت، در جریان تحلیل اخیر «اطلاعات ملی» قرار داشت یا نه؟

مطابق روزنامه ی واشنگتن پست، **Mike McConnell** ، مایک مک کانل، مدیر «اطلاعات ملی»، در ماه اوت، جرج بوش را در جریان «اطلاعاتی جدید» (از جمله به دست آمده از طریق شنود تلفنی مقامات بالای حکومت ایران) قرار داده بود؛ و به او گفته بود که این اطلاعات، نگاه به برنامه ی اتمی ایران را دیگرگون می کند.

جرج بوش اما اینطور پاسخ می دهد:  
« او خود این اطلاعات را به من نداد؛ [و به من گفت که] برای تحلیل این اطلاعات، زمان، لازم است».

آنطور که رسماً گفته می شود، آقایان بوش و چینی در ۲۸ نوامبر در جریان تحلیل این اطلاعات قرار گرفته اند. اما مقامات موثق عالیرتبه یی که نخواستند نامشان فاش شود، تأکید می کنند که هم بوش و هم چینی، هر دو، «در این چند هفته ی اخیر» از موضوع اطلاع داشته اند.

«در این چند هفته ی اخیر» یعنی چه؟ بیشتر و یا کمتر از شش هفته؟ یعنی: فاصله ی میان ۱۱ اکتبر که جرج بوش از «جنگ جهانی سوم» حرف زد تا ۲۸ نوامبر؟ یا کمتر؟  
این برای آقای بوش، سئوالی است وخیم و سرنوشت ساز!

---

۱ - در مجمعی از روزنامه نگاران فرانسوی، همین چندی پیش، سیمور هرش، به آنان اطلاع داد که تصمیم حمله به ایران، پیشاپیش اتخاذ شده است؛ و در این امر، حرف آخر را دیک چینی، معاون جنگ طلب بوش می زند؛ و رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، که از عواقب شوم حمله ی نظامی به ایران آگاه است، به زودی استعفا خواهد داد.

عطوان، سردبیر «القدس العربی» در مقاله ی:

به این ۹ دلیل، بوش می خواهد به ایران حمله کند  
ترجمه ی فارسی:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar05/noh-dalil.html>